



در متی ۵: ۱۳-۱۴ عیسی بذر مهمی برای ترویج فرهنگ پادشاهی خدا می‌کارد. او به شاگردانش می‌گوید که شما نمک دنیا هستید و شما نور دنیا هستید.

این فرهنگی است که در آن پادشاهی می‌تواند ثمر دهد.

مقصد عیسی از نور و نمک چیست؟

نمک طعم می‌دهد و از فاسد شدن جلوگیری می‌کند.

دوم پادشاهان ۲: ۱۹-۲۱

این رویداد چشمه و البشع که در آیات بالا خواندید، مثالی است از واقعیتی که عیسی در مورد این صحبت می‌کند که گویا ما نمک جهان هستیم. سخنانی که عیسی گفت به ما زندگی می‌بخشد و زندگی ما را پاک می‌سازد. سخنان او در ما باعث ایجاد تفاوت در بین اطرافیان و نحوه رفتار ما با اطرافیانمان می‌شود. مردم می‌توانند ببینند که زندگی ما متفاوت است. بودن ما در همه جا «طعم» به ارمغان می‌آورد. درست مثل زمانی که به غذا نمک اضافه می‌کنید.

ناتاشیا

هنگاهی که او شنید که مادرش مسیحی شده است، تصمیم گرفت به طور بنیادی به اعتقادات اسلامی خود توجه کند و آنچه را که قرآن به او آموخته است، انجام دهد. او به تعصب شروع کرد، اما بعد متوجه شد که مادرش چگونه تغییر می‌کند. سپس تصمیم گرفت ایمان به عیسی را بررسی کند. او سرانجام به این تصمیم رسید که به عیسی اجازه دهد به زندگی‌اش وارد شود.

همانطوری که او به طور افراطی قرآن را خوانده بود، حالا او شروع به اقرار به ایمان جدید خود کرد. دوستان و خانواده او به زودی پی بردند که ناتاشیا در حال تغییر است. در هر چیزی که او می‌گفت و انجام می‌داد، او یک فرد جدید شده بود. به زودی یکی از اعضای خانواده در ایران از طریق اینترنت متوجه شد که ناتاشیا خدا را به شیوه‌ای بسیار خاصی می‌شناسد. او بسیار کنجکاو شد و کمی بعد تصمیم گرفت که پیرو عیسی مسیح شود. او طعم آن را چشیده بود. پدر، مادر و برادرانش نیز نیاز به شنیدن این موضوع داشتند.

دیدن این که چگونه سخنان عیسی چنین تغییری را در خانواده ناتاشیا ایجاد کرد، بدون اینکه آنها حتی با یکدیگر ملاقات کرده باشند، واقعاً عجیب بود.

بگذارید نور شما بدرخشد.

چرا وقتی موسی از کوه پایین شد مردم نتوانستند به او نگاه کنند؟

خروج ۳۴: ۲۷-۳۵

وقتی عیسی با شاگردانش به کوه بالا رفت چه واقع شد؟

متی ۱۷: ۱-۲

عیسی خود را نور جهان می‌نامد

یوحنا ۸: ۱۲،

یوحنا ۹: ۵

در این متون ما می‌خوانیم که وقتی با خدا ارتباط برقرار می‌کنیم، حضور او ما را تغییر می‌دهد. موسی و عیسی از حضور خدا نورانی شدند و این در چهره آنها نمایان بود.

دو تا فرزند

من دوبار دیدم که چگونه خداوند با دو تا از فرزندانم برخورد کرد و چقدر این موضوع در چهره آنها آشکار بود.

اولین بار زمانی بود که پسرمان را با یک کودک نگرهبانی که او را نمی شناخت، گذاشتیم. وقتی او را در آن خانه ناآشنا گذاشتیم، بسیار ترسیده بود. به عنوان پدر، احساس ناراحتی می کردم و از این رو وقتی از عبادت عصرانه به خانه برگشتیم، خوشحال شدم. وقتی وارد اتاق خواب پسرم شدم دیدم که او روی تختش نشسته بود. صورتش همچون نور می درخشید. اثری از ترس در او دیده نمی شد. او برای ما گفت که وقتی نبودیم، سه مرد درخشان وارد اتاقش شدند. آنها از نور می درخشیدند. یکی از مردان به پسرم گفت که او عیسی است و ضرور نیست از آنها بترسد.

هفته ها بعد نیز وقتی او در این مورد صحبت می کرد، چهره اش در هنگام صحبت می درخشید.

سالها بعد دختر کلانم به بولیویا رفت. او قرار بود در خانه ای برای کودکان خیابانی کار کند. وقتی او در آنجا بود نمی توانست به زبان آنها صحبت کند. چند هفته اول برای او بسیار دشوار بود. ما نیز به عنوان والدین در ابتدا بسیار نگران دخترمان بودیم. و با این حال روح خدا ما را تشویق می کرد که او را به حال خود رها کنیم و به خدا بسپاریم. در آن دوره نه ماهه او مرتباً حضور خدا را تجربه کرد و من به یاد دارم که وقتی به میدان هوایی آمستردام رسید، از چهره اش نور می بارید. این نور باشکوه برای مدتی طولانی بر چهره او باقی ماند.

نور خدا، نور عیسی، در زندگی ما چه میکند؟

یوحنا ۱: ۴-۱۸

در اینجا عیسی نور نامیده می شود، همچنان کلمه ای است که جسم شده است. ما می دانیم که در جایی که نور وجود دارد، تاریکی ناپدید می شود. به این ترتیب کلام خدا به این دنیا آمد تا حقایق خدا را بشناساند. حقیقت این است که خدا بد نیست، بلکه خوب است! حقیقت این است که او نیامد تا دنیا را مورد قضاوت قرار دهد و محاکمه کند، بلکه برای نجات ما آمده است. این کلمات حقیقت و نور را به زندگی شما می آورد.

یوحنا ۳: ۱۹-۲۱

وقتی عیسی نور خود را بر شما می تابد، تاریکی ناپدید می شود. این نور از کلام او پدید می آید، گاهی مستقیم، گاهی از طریق دیگران. چیزهایی را که در قلب شماست که شما را از نزدیک شدن به خدا بازمی دارد، به شما آشکار می سازد. در واقع، هر چیزی که باعث می شود مصیبت و تاریکی وارد قلب شما شود، با این نور نشان داده می شود و شما را قادر می سازد که سپس به مقابله با آن بپردازید.

دوم قرنتیان ۴: ۴-۶، ۶: ۱۴

خدای این دنیا (شیطان) با افکارمان ما را به سوی تاریکی می برد. اگر عیسی خداوند زندگی شما شده است، او عمل برعکس را انجام خواهد داد. سخنان او در قلب شما نور می بخشد و افکار شما تجدید می شود. افکار عیسی شما را از کور شدن نجات می دهد.

وقتی این نور را در زندگی خود تجربه کنیم چه اتفاق می افتد؟

اعمال رسولان ۱۳-۲۶

رومیان ۱۳: ۱۲

وقتی نور وارد تان شد، همچون نور شروع به درخشیدن برای دیگران می کنید.

شمع ها

افرادی هستند که سعی می کنند نور ببخشند اما آنها مانند شمعی هستند که هنوز روشن نشده است. شمعی که افروخته نشود هیچگاه نمی تواند روشنی بدهد و همه این را می دانند. با ما به عنوان مسیحیان، پیروان پادشاه نیز همینطور است. شما ابتدا باید نور، یعنی کلام او را در قلب خود دریافت کنید. شما باید با او باشید و اجازه دهید حضور او شما را روشن کند. آن وقت مردم قطعاً خواهند دید که شما متفاوت هستید. نور درون شما، یعنی سخنان بشارت دهنده عیسی، برای دیگران روشنائی خواهد آورد.

آیا همه این نور را می بینند؟

یوحنا ۳: ۱۹-۲۱

متاسفانه همه عاشق نور نیستند. برخی تاریکی را ترجیح می دهند و می خواهند در آن بمانند.

تمرین

برای حضور در پیشگاه خداوند وقت بگذارید. مثلاً می توانید یک موسیقی عبادتی را روشن کنید. سعی کنید همه چیز را در اطراف خود فراموش کنید و اجازه دهید نور خدا به قلب شما وارد شود. به آنچه او به شما نشان می دهد پاسخ دهید.

اصل سی و نهم

عیسی به شاگردانش می گوید که آنها نمک و نور هستند. با نور و نمک بودن بذر کلام خدا میوه می دهد.

